

واژگان زبان عربی با مثال

(شامل تلفظ و ترجمه)

تهیه شده توسط چرب زبان



۳۰۰ واژه غیرتکراری

۳۰ موضوع کاربردی

آموزش + فلش کارت

سطح متوسط تا پیشرفته

فهرست مطالب

این کتاب فقط دو بخش دارد؛ شماره‌های زیر، شماره واقعی صفحات PDF هستند.

بخش اول: آموزش

۴

بخش دوم: فلش‌کارت

۶۵

موضوع	آموزش	فلش‌کارت
۱ اندیشه و تحلیل	۵	۶۶
۲ تصمیم‌گیری و حل مسئله	۷	۶۷
۳ مدیریت و کار تیمی	۹	۶۸
۴ کسب‌وکار و کارآفرینی	۱۱	۶۹
۵ اقتصاد و امور مالی	۱۳	۷۰
۶ بازاریابی و مشتری	۱۵	۷۱
۷ فناوری و دنیای دیجیتال	۱۷	۷۲
۸ امنیت اطلاعات و ایمنی	۱۹	۷۳
۹ پژوهش و روش علمی	۲۱	۷۴
۱۰ دانشگاه و یادگیری	۲۳	۷۵
۱۱ ارتباط و مذاکره	۲۵	۷۶
۱۲ سیاست و دیپلماسی	۲۷	۷۷
۱۳ حقوق و قراردادها	۲۹	۷۸
۱۴ جامعه و حقوق شهروندی	۳۱	۷۹
۱۵ رسانه و خبر	۳۳	۸۰

فهرست مطالب

این کتاب فقط دو بخش دارد؛ شماره‌های زیر، شماره واقعی صفحات PDF هستند.

بخش اول: آموزش

۴

بخش دوم: فلش‌کارت

۶۵

موضوع	آموزش	فلش‌کارت
فرهنگ و هویت	۳۵	۸۱
هنر و خلاقیت	۳۷	۸۲
سلامت و درمان	۳۹	۸۳
روان‌شناسی و هیجان	۴۱	۸۴
خانواده و روابط	۴۳	۸۵
سفر و جابه‌جایی	۴۵	۸۶
محیط زیست و اقلیم	۴۷	۸۷
غذا و آشپزی	۴۹	۸۸
ورزش و آمادگی جسمانی	۵۱	۸۹
علم و اکتشاف	۵۳	۹۰
شهر، خدمات و زیرساخت	۵۵	۹۱
استخدام و مسیر شغلی	۵۷	۹۲
نوشتار رسمی و پیوندهنده‌ها	۵۹	۹۳
افعال پیشرفته و ترکیب‌ها	۶۱	۹۴
واژگان توصیفی و گزارش‌نویسی	۶۳	۹۵



بخش اول

آموزش واژگان عربی

۱۸۰ واژه کاربردی در ۶۰ صفحه آموزشی
واژه، تلفظ، معنی، مثال و ترجمه فارسی

همه مدخل‌ها بر اساس ۳۰ موضوع کاربردی دسته‌بندی شده‌اند.

اندیشه و تحلیل

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یستنتج

تلفظ: یَسْتَنْتِج

معنی: نتیجه‌گیری می‌کند

یستنتج الباحث أن النتائج تحتاج إلى دراسة أعمق.

پژوهشگر نتیجه می‌گیرد که یافته‌ها به بررسی عمیق‌تری نیاز دارند.

یستدل

تلفظ: یَسْتَدِلُّ

معنی: استدلال می‌کند

یستدل الكاتب بالأرقام على تحسين الأداء.

نویسنده با آمار، بهبود عملکرد را نشان می‌دهد.

يفترض

تلفظ: یَفْتَرِضُ

معنی: فرض می‌کند

يفترض التحليل ثبات الأسعار خلال العام.

این تحلیل، ثبات قیمت‌ها را در طول سال فرض می‌کند.

اندیشه و تحلیل

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یتأمل

تلفظ: يَتَأَمَّلُ

معنی: تأمل می‌کند

یتأمل الطالب الفكرة قبل أن يجيب.

دانشجو پیش از پاسخ دادن درباره ایده تأمل می‌کند.

يميز

تلفظ: يُمَيِّزُ

معنی: تمایز قائل می‌شود

يميز الخبير بين السبب الحقيقي والنتيجة الظاهرة.

کارشناس میان علت واقعی و نتیجه ظاهری تفاوت می‌گذارد.

يتناقض

تلفظ: يَتَنَاقَضُ

معنی: تناقض دارد

يتناقض هذا التصريح مع البيانات المنشورة.

این اظهارنظر با داده‌های منتشرشده تناقض دارد.

تصمیم‌گیری و حل مسئله

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یتردد

تلفظ: يَتَرَدَّد

معنی: مردد می‌شود

یتردد بعضی الناس قبل اتخاذ قرار مصيري.

بعضی افراد پیش از گرفتن تصمیمی سرنوشت‌ساز مردد می‌شوند.

یحسم

تلفظ: يَحْسِم

معنی: فیصله می‌دهد

یحسم المدير الخلاف بعد سماع جميع الآراء.

مدیر پس از شنیدن همه دیدگاه‌ها اختلاف را حل می‌کند.

یتراجع

تلفظ: يَتَرَجَّع

معنی: عقب‌نشینی می‌کند

تراجع المستثمر عن الصفقة بسبب ارتفاع المخاطر.

سرمایه‌گذار به دلیل افزایش خطرهای معامله منصرف شد.

تصمیم‌گیری و حل مسئله

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یتوقع

تلفظ: يَتَوَقَّع

معنی: پیش‌بینی می‌کند

مدخل ۱۴

فعل

یتوقع الخبراء تحسناً تدريجياً في السوق.

کارشناسان بهبود تدریجی بازار را پیش‌بینی می‌کنند.

یتدارک

تلفظ: يَتَدَارَك

معنی: به‌موقع جبران می‌کند

مدخل ۱۵

فعل

تدارك الفريق الخطأ قبل نشر التقرير.

تیم پیش از انتشار گزارش، اشتباه را به‌موقع اصلاح کرد.

یوازن

تلفظ: يُوازِن

معنی: تعادل برقرار می‌کند

مدخل ۱۶

فعل

یوازن الموظف بين متطلبات العمل وحياته الشخصية.

کارمند میان الزامات شغلی و زندگی شخصی تعادل برقرار می‌کند.

مدیریت و کار تیمی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یتولی

تلفظ: يَتَوَلَّى

معنی: مسئولیت کاری را بر عهده می‌گیرد

یتولی سامر إدارة المشروع ابتداء من الأسبوع القادم.

سامر از هفته آینده مدیریت پروژه را بر عهده می‌گیرد.

مدخل ۲۱

فعل

يفوض

تلفظ: يُفَوِّض

معنی: مسئولیت را تفویض می‌کند

يفوض المدير بعض المهام إلى مساعده.

مدیر بخشی از وظایف را به دستیارش واگذار می‌کند.

مدخل ۲۲

فعل

ينسق

تلفظ: يَنْسِقُ

معنی: هماهنگ می‌کند

ينسق الفريق مواعيد الاجتماعات مع الشركاء.

تیم زمان جلسه‌ها را با شرکا هماهنگ می‌کند.

مدخل ۲۳

فعل

مدیریت و کار تیمی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یَنجِز

تلفظ: یُنْجِز

معنی: به انجام می‌رساند

أُنْجِزَ الفریق المرحلة الأولى قبل الموعد المحدد.

تیم مرحله اول را پیش از موعد تعیین‌شده به پایان رساند.

یَتَابِع

تلفظ: یَتَّبِع

معنی: پیگیری می‌کند

یَتَابِع المسؤول تنفيذ الخطة بصورة يومية.

مسئول، اجرای برنامه را هر روز پیگیری می‌کند.

یَلْتَزِم

تلفظ: یَلْتَزِم

معنی: پایبند می‌ماند

یَلْتَزِم الموظفون بمعايير الجودة المتفق عليها.

کارکنان به معیارهای توافق‌شده کیفیت پایبند می‌مانند.

کسب و کار و کارآفرینی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

استثمار

تلفظ: اِسْتِثْمَار

معنی: سرمایه‌گذاری

يحتاج المشروع إلى استثمار طويل الأمد.

پروژه به سرمایه‌گذاری بلندمدت نیاز دارد.

تمويل

تلفظ: تَمْوِيل

معنی: تأمین مالی

حصلت الشركة الناشئة على تمويل إضافي.

شرکت نوپا منابع مالی بیشتری جذب کرد.

جدوى

تلفظ: جَدْوَى

معنی: توجیه‌پذیری و صرفه اقتصادی

تحدد دراسة الجدوى فرص نجاح المشروع.

مطالعه امکان‌سنجی، احتمال موفقیت پروژه را مشخص می‌کند.

کسب و کار و کارآفرینی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

منافسة

تلفظ: مُنَافَسَة

معنی: رقابت

تشتد المنافسة بين الشركات في السوق الرقمية.

رقابت میان شرکت‌ها در بازار دیجیتال شدیدتر می‌شود.

عائد

تلفظ: عَائِد

معنی: بازده و عایدی

يتوقع المستثمر عائدا مستقرا خلال ثلاث سنوات.

سرمایه‌گذار در سه سال آینده انتظار بازدهی باثبات دارد.

ريادة

تلفظ: رِيَادَة

معنی: پیشگامی و کارآفرینی

تشجع الجامعة ريادة الأعمال بين خريجיהا.

دانشگاه کارآفرینی را میان فارغ‌التحصیلانش تشویق می‌کند.

اقتصاد و امور مالی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

إيرادات

تلفظ: إيرادات

معنی: درآمدها

ارتفعت إيرادات المتجر خلال الموسم السياحي.

درآمد فروشگاه در فصل گردشگری افزایش یافت.

نفقات

تلفظ: نَفَقَات

معنی: مخارج و هزینه‌ها

خفضت المؤسسة نفقاتها من دون تقليل الجودة.

مؤسسه هزینه‌هایش را بدون کاهش کیفیت کم کرد.

تضخم

تلفظ: تَضَخُّم

معنی: تورم

يؤثر التضخم في القدرة الشرائية للأسر.

تورم بر قدرت خرید خانواده‌ها اثر می‌گذارد.

اقتصاد و امور مالی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

رکود

تلفظ: رُکود

معنی: رکود اقتصادی

تضررت الشركات الصغيرة من الركود الاقتصادي.

شرکت‌های کوچک از رکود اقتصادی آسیب دیدند.

ميزانية

تلفظ: ميزانيّة

معنی: بودجه

خصصت البلدية ميزانية لتطوير النقل العام.

شهرداری بودجه‌ای برای توسعه حمل‌ونقل عمومی اختصاص داد.

استقرار

تلفظ: إستقرار

معنی: ثبات و پایداری

يسهم استقرار الأسعار في تحسين التخطيط المالي.

ثبات قیمت‌ها به بهبود برنامه‌ریزی مالی کمک می‌کند.

بازاریابی و مشتری

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

تسويق

تلفظ: تَسْوِيق

معنی: بازاریابی

تعتمد الخطة على التسويق عبر المنصات الرقمية.

این برنامه بر بازاریابی در بسترهای دیجیتال متکی است.

استهداف

تلفظ: إِسْتِهْدَاف

معنی: هدفگیری مخاطب

يحسن استهداف الجمهور المناسب نتائج الحملة.

هدفگیری مخاطب مناسب نتیجه کارزار را بهتر می‌کند.

علامة تجارية

تلفظ: عَلَامَةُ تِجَارِيَّة

معنی: برند و نشان تجاری

تسعى العلامة التجارية إلى بناء صورة موثوقة.

برند تلاش می‌کند تصویری قابل اعتماد بسازد.

بازاریابی و مشتری

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

ولاء

تلفظ: ولاء

معنی: وفاداری

یرتبط ولاء العملاء بجودة الخدمة المستمرة.

وفاداری مشتریان با کیفیت مستمر خدمات ارتباط دارد.

ترویج

تلفظ: ترویج

معنی: تبلیغ و معرفی محصول

بدأت الشركة ترويج المنتج قبل إطلاقه بأسبوع.

شرکت یک هفته پیش از عرضه، تبلیغ محصول را آغاز کرد.

شريحة

تلفظ: شريحة

معنی: بخش و گروه هدف

تستهدف الخدمة شريحة واسعة من الشباب.

این خدمت گروه گسترده‌ای از جوانان را هدف قرار می‌دهد.

فناوری و دنیای دیجیتال

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

خوارزمية

تلفظ: خَوَارِزْمِيَّة

معنی: الگوریتم

تستخدم المنصة خوارزمية لترتيب نتائج البحث.

سامانه از الگوریتمی برای مرتب‌سازی نتایج جست‌وجو استفاده می‌کند.

معالجة

تلفظ: مُعَالَجَة

معنی: پردازش

تحتاج معالجة البيانات الكبيرة إلى موارد إضافية.

پردازش داده‌های حجیم به منابع بیشتری نیاز دارد.

واجهة

تلفظ: وَاجِهَة

معنی: رابط و نمای کاربری

صمم الفريق واجهة سهلة الاستخدام.

تیم رابط کاربری ساده و قابل فهمی طراحی کرد.

فناوری و دنیای دیجیتال

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

تحديث

تلفظ: تَحْدِیْث

معنی: به روزرسانی

علاج التحديث الأخير مشكلة استهلاك البطارية.

آخرین به روزرسانی مشکل مصرف باتری را برطرف کرد.

تکامل

تلفظ: تَكَاوُل

معنی: یکپارچه سازی و تکامل

يسمح تكامل النظام بتبادل المعلومات بسرعة.

یکپارچه سازی سامانه امکان تبادل سریع اطلاعات را فراهم می کند.

محاكاة

تلفظ: مُحَاكَاة

معنی: شبیه سازی

تساعد المحاكاة على اختبار الظروف الواقعية.

شبیه سازی به آزمودن شرایط واقعی کمک می کند.

امنیت اطلاعات و ایمنی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

تشفیر

تلفظ: تَشْفِیر

معنی: رمزنگاری

يُحمي التشفير الرسائل من الوصول غير المصرح.

رمزنگاری از پیام‌ها در برابر دسترسی غیرمجاز محافظت می‌کند.

اختراق

تلفظ: إِخْطِرَاق

معنی: نفوذ و رخنه امنیتی

أبلغت الشركة المستخدمين عن محاولة اختراق.

شرکت کاربران را از یک تلاش برای نفوذ آگاه کرد.

خصوصية

تلفظ: خُصُوصِيَّة

معنی: حریم خصوصی

تُحترم الخدمة خصوصية المعلومات الشخصية.

این سرویس به حریم خصوصی اطلاعات شخصی احترام می‌گذارد.

امنیت اطلاعات و ایمنی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

تهدید

تلفظ: تَهْدِيد

معنی: تهدید

يشكل تسرب البيانات تهديدا لثقة العملاء.

نشت اطلاعات تهدیدی برای اعتماد مشتریان است.

ثغرة

تلفظ: تُغْرَة

معنی: آسیب پذیری و رخنه

اكتشف الخبراء ثغرة في البرنامج القديم.

کارشناسان یک آسیب پذیری در نرم افزار قدیمی پیدا کردند.

مصادقة

تلفظ: مُصَادَقَة

معنی: احراز هویت

تعزز المصادقة الثنائية حماية الحساب.

احراز هویت دومرحله ای امنیت حساب را افزایش می دهد.

پژوهش و روش علمی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

فرضیه

تلفظ: فَرَضِيَّة

معنی: فرضیه

تختبر الدراسة فرضية مرتبطة بسلوك المستهلك.

پژوهش فرضیه‌ای مرتبط با رفتار مصرف‌کننده را بررسی می‌کند.

منهجية

تلفظ: مَنَهَجِيَّة

معنی: روش‌شناسی

تعتمد الدراسة منهجية واضحة لجمع البيانات.

این پژوهش برای گردآوری داده‌ها روش‌شناسی روشنی دارد.

عينة

تلفظ: عَيِّنَة

معنی: نمونه آماری

اختار الباحث عينة تمثل فئات المجتمع.

پژوهشگر نمونه‌ای انتخاب کرد که نماینده گروه‌های جامعه باشد.

پژوهش و روش علمی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

استبیان

تلفظ: اِسْتِیَان

معنی: پرسشنامه

وزعت الجامعة استبیاناً لقياس رضا الطلاب.

دانشگاه پرسشنامه‌ای برای سنجش رضایت دانشجویان توزیع کرد.

معطیات

تلفظ: مُعْطِیَات

معنی: داده‌ها و اطلاعات موجود

تغيرت النتيجة بعد إضافة معطیات جديدة.

نتیجه پس از افزودن داده‌های تازه تغییر کرد.

توثیق

تلفظ: تَوْثِیق

معنی: مستندسازی و ثبت منابع

یضمن التوثیق الدقیق إمكانية مراجعة النتائج.

مستندسازی دقیق امکان بازبینی یافته‌ها را فراهم می‌کند.

دانشگاه و یادگیری

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

منهج

تلفظ: مَنهَج

معنی: برنامه درسی و روش آموزشی

يعتمد المعهد منهجا تفاعليا في تدريس اللغة.

مؤسسه در آموزش زبان از برنامه‌ای تعاملی استفاده می‌کند.

استيعاب

تلفظ: اِسْتِيعَاب

معنی: درک و فراگیری کامل

تساعد الأمثلة العملية على استيعاب المفاهيم.

مثال‌های عملی به درک کامل مفاهیم کمک می‌کنند.

تحصيل

تلفظ: تَحْصِيل

معنی: پیشرفت و دستاورد تحصیلی

يتحسن التحصيل الدراسي مع تنظيم ساعات المذاكرة.

پیشرفت تحصیلی با نظم‌دادن به ساعت‌های مطالعه بهتر می‌شود.

دانشگاه و یادگیری

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

تقویم

تلفظ: تَقْوِیم

معنی: ارزیابی

يعتمد تقویم الطلاب على مشاريع عملية.

ارزیابی دانشجویان بر پروژه‌های عملی استوار است.

تخصص

تلفظ: تَخْصُّص

معنی: رشته و زمینه تخصصی

اختارت الباحثة تخصص الاقتصاد السلوكي.

پژوهشگر رشته اقتصاد رفتاری را انتخاب کرد.

مراجعة

تلفظ: مُرَاجَعَة

معنی: مرور و بازبینی

تزيد المراجعة المنتظمة من ثبات المفردات.

مرور منظم ماندگاری واژگان را افزایش می‌دهد.

ارتباط و مذاکره

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یتفاوض

تلفظ: يَتَفَاوَضُ

معنی: مذاکره می‌کند

یتفاوض الطرفان للوصول إلى اتفاق عادل.

دو طرف برای رسیدن به توافقی منصفانه مذاکره می‌کنند.

یقنع

تلفظ: يَقْنَعُ

معنی: قانع می‌کند

أقنع المدير الفريق بتعديل جدول العمل.

مدیر تیم را به تغییر برنامه کاری متقاعد کرد.

یوضح

تلفظ: يُوضِّحُ

معنی: روشن و توضیح می‌دهد

یوضح التقرير أسباب تأخر التنفيذ.

گزارش علت‌های تأخیر در اجرا را توضیح می‌دهد.

ارتباط و مذاکره

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یَعْتَرِض

تلفظ: یَعْتَرِض

معنی: اعتراض می‌کند

اعتراض ممثل الشركة على بعض شروط العقد.

نماینده شرکت به بعضی شرطهای قرارداد اعتراض کرد.

إِنْصَات

تلفظ: إِنْصَات

معنی: گوش‌دادن دقیق

يقلل الإنصات الجيد سوء الفهم في الحوار.

گوش‌دادن دقیق سوءتفاهم را در گفت‌وگو کاهش می‌دهد.

تَلْمِيح

تلفظ: تَلْمِيح

معنی: اشاره غیرمستقیم

فهمت من حديثه تلميحا إلى تغيير قريب.

از حرف او اشاره‌ای به تغییری نزدیک فهمیدم.

سیاست و دیپلماسی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

سیادة

تلفظ: سِیَادَه

معنی: حاکمیت و اقتدار ملی

تحترم الاتفاقية سيادة الدول الأعضاء.

این توافق به حاکمیت کشورهای عضو احترام می‌گذارد.

مدخل ۱۱۱

اسم

معاهدة

تلفظ: مُعَاهَدَه

معنی: معاهده و پیمان رسمی

وقعت الدولتان معاهدة للتعاون التجاري.

دو کشور معاهده‌ای برای همکاری تجاری امضا کردند.

مدخل ۱۱۲

اسم

مفاوضات

تلفظ: مُفَاوَضَات

معنی: مذاکرات

استؤنفت المفاوضات بعد توقف قصير.

مذاکرات پس از توقفی کوتاه از سر گرفته شد.

مدخل ۱۱۳

اسم جمع

سیاست و دیپلماسی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

دبلوماسية

تلفظ: دیپلوماسیه

معنی: دیپلماسی

ساعدت الدبلوماسية الهادئة على تخفيف التوتر.

دیپلماسی آرام به کاهش تنش کمک کرد.

انتخابات

تلفظ: اِنْتِخابات

معنی: انتخابات

جرت الانتخابات المحلية في موعدها المحدد.

انتخابات محلی در موعد تعیین شده برگزار شد.

تصويت

تلفظ: تَصْوِیت

معنی: رأی گیری

بدأ التصويت على مشروع القرار صباحا.

رأی گیری درباره پیش نویس مصوبه صبح آغاز شد.

حقوق و قراردادها

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

التزام

تلفظ: اِلْتِزام

معنی: تعهد و الزام

يحدد العقد التزامات كل طرف بوضوح.

قرارداد تعهدات هر طرف را به روشنی مشخص می‌کند.

مخالفة

تلفظ: مُخَالَفَة

معنی: تخلف

تفرض البلدية غرامة على مخالفة قواعد البناء.

شهرداری برای تخلف از مقررات ساخت‌وساز جریمه تعیین می‌کند.

عقوبة

تلفظ: عُقُوبَة

معنی: مجازات

تختلف العقوبة بحسب طبيعة المخالفة.

مجازات با توجه به نوع تخلف متفاوت است.

حقوق و قراردادها

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

لائحه

تلفظ: لَائِحَة

معنی: آیین نامه و فهرست مقررات

تشرح اللائحة الداخلية حقوق الموظفين.

آیین نامه داخلی حقوق کارکنان را توضیح می دهد.

صلاحية

تلفظ: صَلاَحِيَّة

معنی: اختیار و اعتبار

لا يملك الموظف صلاحية توقيع العقد.

کارمند اختیار امضای قرارداد را ندارد.

تعويض

تلفظ: تَعْوِيْض

معنی: غرامت و جبران خسارت

طلب المتضرر تعويضا عن الخسائر المالية.

زیان دیده برای خسارت مالی درخواست غرامت کرد.

جامعه و حقوق شهروندی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

عدالة

تلفظ: عَدَالَة

معنی: عدالت

تطالب المبادرة بتحقيق العدالة الاجتماعية.

این حرکت خواهان تحقق عدالت اجتماعی است.

مساواة

تلفظ: مُساواة

معنی: برابری

يعزز التعليم فرص المساواة بين الأفراد.

آموزش فرصت‌های برابر میان افراد را تقویت می‌کند.

مواطنة

تلفظ: مُوَاطَنَة

معنی: شهروندی

ترتبط المواطنة بالحقوق والمسؤوليات المشتركة.

شهروندی با حقوق و مسئولیت‌های مشترک همراه است.

جامعه و حقوق شهروندی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

حرية

تلفظ: حُرِّيَّة

معنی: آزادی

يؤكد الدستور أهمية حرية التعبير.

قانون اساسی بر اهمیت آزادی بیان تأکید می‌کند.

اندماج

تلفظ: اِنْدِمَاج

معنی: ادغام و سازگاری اجتماعی

يساعد تعلم اللغة على الاندماج في المجتمع.

یادگیری زبان به سازگاری با جامعه کمک می‌کند.

انتماء

تلفظ: اِنْتِمَاء

معنی: تعلق و احساس وابستگی

يعزز العمل الجماعي الشعور بالانتماء.

کار گروهی حس تعلق را تقویت می‌کند.

رسانه و خبر

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

مصدر

تلفظ: مَصْدَر

معنی: منبع

تحقق من المصدر قبل مشاركة الخبر.

پیش از بازنشر خبر، منبع آن را بررسی کن.

موثوقية

تلفظ: مَوْثُوقِيَّة

معنی: قابل اعتماد بودن

تعتمد موثوقية التقرير على دقة بياناته.

اعتبار گزارش به دقت داده‌های آن وابسته است.

تضليل

تلفظ: تَضْلِيل

معنی: گمراه‌سازی

يهدف التضليل الإعلامي إلى تشويه الحقائق.

گمراه‌سازی رسانه‌ای با هدف تحریف واقعیت انجام می‌شود.

رسانه و خبر

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

إشاعة

تلفظ: إشاعة

معنی: شایعه

انتشرت إشاعة قبل صدور البيان الرسمي.

پیش از انتشار بیانیه رسمی، شایعه‌ای پخش شد.

تغطية

تلفظ: تغطية

معنی: پوشش خبری

قدمت القناة تغطية مباشرة للحدث.

شبکه پوشش زنده‌ای از رویداد ارائه کرد.

محتوى

تلفظ: مُحتوى

معنی: محتوا

يحتاج الموقع إلى محتوى دقيق ومحدث.

وبسایت به محتوای دقیق و به‌روز نیاز دارد.

فرهنگ و هویت

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

تنوع

تلفظ: تَنْوُوع

معنی: گوناگونی

يعكس المهرجان التنوع الثقافي في المدينة.

جشنواره گوناگونی فرهنگی شهر را بازتاب می دهد.

هوية

تلفظ: هُويَّة

معنی: هویت

تتشكل الهوية الثقافية عبر الخبرات المشتركة.

هویت فرهنگی از تجربه های مشترک شکل می گیرد.

تراث

تلفظ: تُراث

معنی: میراث فرهنگی

تحافظ المدينة على تراثها المعماري القديم.

شهر از میراث معماری قدیمی خود محافظت می کند.

فرهنگ و هویت

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

حضارة

تلفظ: حَضَارَة

معنی: تمدن

تمتد جذور هذه الحضارة إلى قرون بعيدة.

ریشه‌های این تمدن به سده‌های دور می‌رسد.

عولمة

تلفظ: عَوْلَمَة

معنی: جهانی‌شدن

غيرت العولمة طرق تبادل المنتجات الثقافية.

جهانی‌شدن روش‌های تبادل محصولات فرهنگی را تغییر داده است.

معاصر

تلفظ: مُعَاَصِر

معنی: معاصر و امروزی

يناقش المعرض قضايا المجتمع المعاصر.

نمایشگاه به مسائل جامعه معاصر می‌پردازد.

هنر و خلاقیت

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یبدع

تلفظ: یُبْدِع

معنی: خلق می‌کند و می‌آفریند

یبدع الفنان أعمالاً مستوحاة من الطبيعة.

هنرمند آثاری الهام‌گرفته از طبیعت خلق می‌کند.

مدخل ۱۶۱

فعل

يعبر عن

تلفظ: يُعَبِّرُ عَنْ

معنی: بیان می‌کند

يعبر الشاعر عن مشاعره بلغة بسيطة.

شاعر احساسات خود را با زبانی ساده بیان می‌کند.

مدخل ۱۶۲

فعل

يستلهم

تلفظ: يَسْتَلْهِم

معنی: الهام می‌گیرد

يستلهم المصمم أفكاره من العمارة القديمة.

طراح ایده‌هایش را از معماری قدیمی الهام می‌گیرد.

مدخل ۱۶۳

فعل

هنر و خلاقیت

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یقتبس

تلفظ: یَقْتَبِسْ

معنی: اقتباس می‌کند

اقتبس المخرج القصة من رواية شهيرة.

کارگردان داستان را از رمانی مشهور اقتباس کرد.

ابتکار

تلفظ: اِبْتِکار

معنی: نوآوری و ابتکار

ينمو الابتكار عندما تتسع مساحة التجربة.

نوآوری زمانی رشد می‌کند که امکان تجربه‌کردن بیشتر شود.

أسلوب

تلفظ: أُسْلُوب

معنی: سبک و شیوه بیان

يمتاز الكاتب بأسلوب واضح ومكثف.

نویسنده سبکی روشن و موجز دارد.

سلامت و درمان

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

مناعة

تلفظ: مَنَاعَه

معنی: ایمنی بدن

يساعد النوم الكافي على دعم المناعة.

خواب کافی به تقویت سیستم ایمنی کمک می‌کند.

تشخيص

تلفظ: تَشْخِیص

معنی: تشخیص بیماری

يتطلب التشخيص الدقيق فحوصا إضافية.

تشخیص دقیق به آزمایش‌های بیشتری نیاز دارد.

تعاف

تلفظ: تَعَاْفَى

معنی: بهبودی

تختلف مدة التعافي بحسب نوع الإصابة.

مدت بهبودی به نوع آسیب بستگی دارد.

سلامت و درمان

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

أعراض

تلفظ: أعراض

معنی: نشانه‌ها و علائم

استشر الطبيب إذا استمرت الأعراض عدة أيام.
اگر علائم چند روز ادامه داشت، با پزشک مشورت کن.

وقاية

تلفظ: وقایه

معنی: پیشگیری

تبدأ الوقاية بعادات صحية يومية.
پیشگیری با عادت‌های سالم روزانه آغاز می‌شود.

إرهاق

تلفظ: إرهاق

معنی: فرسودگی و خستگی شدید

قد يؤدي الإرهاق المستمر إلى انخفاض التركيز.
خستگی مداوم می‌تواند تمرکز را کاهش دهد.

روانشناسی و هیجان

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

إحباط

تلفظ: إحباط

معنی: ناکامی و دلسردی

شعر بالإحباط بعد تكرار المحاولة من دون نتيجة.

پس از چند تلاش بی نتیجه احساس ناکامی کرد.

توتر

تلفظ: تَوْتَر

معنی: تنش و اضطراب

تساعد تمارين التنفس على تخفيف التوتر.

تمرین های تنفسی به کاهش تنش کمک می کنند.

امتنان

تلفظ: إِمْتِنَان

معنی: قدردانی

عبر عن امتنانه لمساندة أصدقائه.

او بابت حمایت دوستانش قدردانی کرد.

روانشناسی و هیجان

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

حیره

تلفظ: حیره

معنی: سردرگمی و دودلی

أصابته الحيرة بسبب تضارب المعلومات.

اطلاعات متناقض او را سردرگم کرد.

اندفاع

تلفظ: إندفاع

معنی: تکانشگری و شتابزدگی

قد يؤدي الاندفاع إلى قرارات غير محسوبة.

شتابزدگی می‌تواند به تصمیم‌های نسنجیده منجر شود.

تعاطف

تلفظ: تَعَاظُف

معنی: همدلی

أظهر الفريق تعاطفا مع زميله الجديد.

تیم با همکار جدید خود همدلی نشان داد.

خانواده و روابط

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

يعتني بـ

تلفظ: يَعْتَنِي بِـ

معنی: از کسی یا چیزی مراقبت می‌کند

تعنتي الأسرة بالجد خلال فترة التعافي.

خانواده در دوران بهبودی از پدر بزرگ مراقبت می‌کند.

يحترم

تلفظ: يَحْتَرِمُ

معنی: احترام می‌گذارد

يحترم الطرفان حدود بعضهما في الحوار.

دو طرف هنگام گفت‌وگو به مرزهای یکدیگر احترام می‌گذارند.

يتصالح

تلفظ: يَتَصَالَحُ

معنی: آشتی می‌کند

تصالح الصديقان بعد نقاش صريح.

دو دوست پس از گفت‌وگویی صادقانه آشتی کردند.

خانواده و روابط

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

رابطه

تلفظ: رَابِطَه

معنی: پیوند و رابطه

تجمع أفراد الأسرة رابطة قوية.

میان اعضای خانواده پیوندی محکم برقرار است.

حضانة

تلفظ: حَضَانَه

معنی: حضانت و سرپرستی کودک

تنظر المحكمة في مصلحة الطفل عند تحديد الحضانة.

دادگاه هنگام تعیین حضانت، مصلحت کودک را بررسی می‌کند.

تربية

تلفظ: تَرْبِيَه

معنی: پرورش و تربیت

تحتاج تربية الأبناء إلى صبر واتساق.

تربیت فرزندان به صبوری و ثبات رفتاری نیاز دارد.

سفر و جابه‌جایی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

وجهة

تلفظ: وَجْهَة

معنی: مقصد

اخترنا وجهة هادئة بعيدا عن الازدحام.

مقصدي آرام و دور از شلوغی انتخاب کردیم.

حجز

تلفظ: حَجَز

معنی: رزرو و ثبت جا

أكد الفندق الحجز قبل موعد الوصول.

هتل پیش از زمان ورود، رزرو را تأیید کرد.

إقامة

تلفظ: إِقَامَة

معنی: اقامت

تشمل تكلفة الإقامة وجبة الإفطار.

هزینه اقامت شامل صبحانه است.

سفر و جابه‌جایی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

ازدحام

تلفظ: اِزدحام

معنی: شلوغی و ازدحام

تجنبنا الازدحام بالسفر في منتصف الأسبوع.

با سفر در میانه هفته از شلوغی دوری کردیم.

مسار

تلفظ: مَسار

معنی: مسیر حرکت

غير السائق المسار بسبب إغلاق الطريق.

راننده به دلیل بسته‌بودن جاده مسیرش را تغییر داد.

تأشيرة

تلفظ: تَأشِيرَة

معنی: ویزا و روادید

تحتاج الرحلة إلى تأشيرة صالحة.

برای این سفر به روادید معتبر نیاز است.

محیط زیست و اقلیم

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یلوث

تلفظ: یَلَوُث

معنی: آلوده می‌کند

یلوث الدخان الصناعي هواء المدينة.

دود صنعتی هوای شهر را آلوده می‌کند.

یحافظ علی

تلفظ: يُحَافِظُ عَلَى

معنی: حفاظت می‌کند

یحافظ السكان المحليون على الغابة القريبة.

ساکنان محلی از جنگل نزدیک محافظت می‌کنند.

یتدهور

تلفظ: يَتَدَهَوَّر

معنی: رو به وخامت می‌رود

تتدهور جودة التربة بسبب الإفراط في استخدام المبيدات.

کیفیت خاک به دلیل مصرف بیش از حد آفت‌کش‌ها کاهش می‌یابد.

محیط زیست و اقلیم

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

يعيد تدوير

تلفظ: يُعِيدُ تَدْوِير

معنی: بازیافت می‌کند

يعيد المصنع تدوير نصف نفاياته.

کارخانه نیمی از پسماند خود را بازیافت می‌کند.

انقراض

تلفظ: انْقِرَاض

معنی: انقراض

يهدد الصيد الجائر بعض الأنواع بالانقراض.

شکار بی‌رویه بعضی گونه‌ها را با خطر انقراض روبه‌رو می‌کند.

انبعاثات

تلفظ: انْبِعَاثَات

معنی: انتشار آلاینده‌ها

تسعى المدينة إلى خفض الانبعاثات الكربونية.

شهر در تلاش است میزان انتشار آلاینده‌های کربنی را کاهش دهد.

غذا و آشپزی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

ینضج

تلفظ: یَنْضُج

معنی: می‌پزد و آماده می‌شود

ینضج الطعام على نار هادئة خلال ساعة.

غذا طی یک ساعت روی شعله ملایم می‌پزد.

یتبل

تلفظ: یَتَبَّل

معنی: ادویه و چاشنی می‌زند

یتبل الطاهي اللحم بالأعشاب قبل الشواء.

آشپز پیش از کباب‌کردن، گوشت را با سبزی‌های معطر مزه‌دار می‌کند.

یقلی

تلفظ: یَقْلَى

معنی: سرخ می‌کند

یقلی الطاهي الخضار في قليل من الزيت.

آشپز سبزیجات را در مقدار کمی روغن سرخ می‌کند.

غذا و آشپزی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یخمر

تلفظ: يُخَمَّر

معنی: تخمیر می‌کند

یخمر الخباز العجین قبل إدخاله إلى الفرن.

نانوا پیش از قراردادن خمیر در فر، آن را تخمیر می‌کند.

وصفة

تلفظ: وَصْفَه

معنی: دستور پخت

شاركت الطاهية وصفة سهلة للحساء.

آشپز دستور ساده‌ای برای تهیه سوپ منتشر کرد.

نکته

تلفظ: نَكْهَه

معنی: طعم و مزه

يضيف الليمون نكهة منعشة إلى الطبق.

لیمو طعمی تازه و دلپذیر به غذا می‌دهد.

ورزش و آمادگی جسمانی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یتدرب

تلفظ: يَتَدَرَّب

معنی: تمرین می‌کند

یتدرب اللاعبون يوميا استعدادا للبطولة.

بازیکنان هر روز برای آماده‌شدن برای مسابقات تمرین می‌کنند.

یتحمل

تلفظ: يَتَحَمَّل

معنی: تحمل می‌کند

یتحمل الرياضي ضغط المنافسة بفضل خبرته.

ورزشکار به‌کمک تجربه‌اش فشار رقابت را تحمل می‌کند.

یتفوق

تلفظ: يَتَفَوَّق

معنی: برتری پیدا می‌کند

تفوق الفريق بفضل انضباطه التكتيكي.

تیم به‌دلیل نظم تاکتیکی خود برتری پیدا کرد.

ورزش و آمادگی جسمانی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یتعافی

تلفظ: یَتَعَفَى

معنی: بهبود می یابد

یتعافی اللاعب تدريجياً بعد الإصابة.

بازیکن پس از آسیب دیدگی به تدریج بهبود پیدا می کند.

لياقة بدنية

تلفظ: لِيَاقَةٌ بَدَنِيَّةٌ

معنی: آمادگی جسمانی

يحسن المشي المنتظم اللياقة البدنية.

پیاده روی منظم آمادگی جسمانی را افزایش می دهد.

إصابة

تلفظ: إِصَابَةٌ

معنی: آسیب دیدگی

منعت إصابة الركبة اللاعب من المشاركة.

آسیب دیدگی زانو مانع حضور بازیکن در مسابقه شد.

علم و اکتشاف

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یکتشف

تلفظ: يَكْتَشِف

معنی: کشف می‌کند

اکتشف العلماء نوعا جدیدا من النباتات.

دانشمندان گونه تازه‌ای از گیاهان را کشف کردند.

يجرب

تلفظ: يُجَرِّب

معنی: آزمایش می‌کند

يجرب الباحث طريقة مختلفة لتنقية المياه.

پژوهشگر روش متفاوتی برای تصفیه آب می‌آزماید.

يثبت

تلفظ: يَثْبِت

معنی: اثبات می‌کند

ثبت التجربة فعالية المادة الجديدة.

آزمایش کارآمدی ماده جدید را ثابت می‌کند.

علم و اکتشاف

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یرصد

تلفظ: یرْصَد

معنی: رصد و پایش می‌کند

یرصد المرصد تغییر حرکت الكواكب.

رصدخانه تغییر حرکت سیاره‌ها را پایش می‌کند.

مدخل ۲۴۴

فعل

اکتشاف

تلفظ: اِکْتِشَاف

معنی: کشف

غير الاكتشاف فهم العلماء للظاهرة.

این کشف درک دانشمندان از پدیده را تغییر داد.

مدخل ۲۴۵

اسم

اختراع

تلفظ: اِخْتِرَاع

معنی: اختراع

ساعد الاختراع الجديد على توفير الطاقة.

اختراع جدید به صرفه‌جویی انرژی کمک کرد.

مدخل ۲۴۶

اسم

شهر، خدمات و زیرساخت

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

بنیه تحتیه

تلفظ: بُنِیَہ تَحْتِیَہ

معنی: زیرساخت

تحتاج المدينة إلى تطوير بنيتها التحتية.

شهر به توسعه زیرساخت‌های خود نیاز دارد.

مرافق

تلفظ: مَرَاقِی

معنی: امکانات و خدمات عمومی

تشمل الخطة تحسين المرافق العامة.

برنامه شامل بهبود خدمات و امکانات عمومی است.

بلدية

تلفظ: بَلَدِیَہ

معنی: شهرداری

أطلقت البلدية خدمة إلكترونية للشكاوى.

شهرداری سامانه‌ای برای ثبت شکایات‌ها راه‌اندازی کرد.

شهر، خدمات و زیرساخت

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

نقل عام

تلفظ: نَقْل عَامّ

معنی: حمل و نقل عمومی

يخفّض النقل العام ازدحام الطرق.

حمل و نقل عمومی شلوغی جاده‌ها را کاهش می‌دهد.

صيانة

تلفظ: صِيَانَةٌ

معنی: نگهداری و تعمیرات

تتطلب الجسور صيانة دورية.

پل‌ها به تعمیر و نگهداری دوره‌ای نیاز دارند.

إسكان

تلفظ: إِسْكَان

معنی: مسکن و اسکان

يهدف المشروع إلى توفير إسكان مناسب.

هدف پروژه تأمین مسکن مناسب است.

استخدام و مسیر شغلی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

كفاءة

تلفظ: كَفَاءَة

معنی: شایستگی و کارآمدی

تبحث الشركة عن موظفين يتمتعون بالكفاءة.

شرکت به دنبال کارکنان شایسته و کارآمد است.

مدخل ۲۶۱

اسم

خبرة

تلفظ: خِبْرَة

معنی: تجربه و سابقه کاری

تتطلب الوظيفة خبرة في إدارة المشاريع.

این شغل به تجربه مدیریت پروژه نیاز دارد.

مدخل ۲۶۲

اسم

مهاراة

تلفظ: مَهَارَة

معنی: مهارت

تعد الكتابة الواضحة مهارة مهنية مهمة.

نوشتن روشن یک مهارت شغلی مهم به شمار می‌رود.

مدخل ۲۶۳

اسم

استخدام و مسیر شغلی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

توظيف

تلفظ: تَوْطِيف

معنی: استخدام

تعتمد سياسة التوظيف على معايير واضحة.

سیاست استخدام بر معیارهای روشن استوار است.

سيرة ذاتية

تلفظ: سِیرَه ذاتِیَه

معنی: رزومه

حدث المتقدم سيرته الذاتية قبل المقابلة.

متقاضی پیش از مصاحبه، رزومه خود را به روز کرد.

مقابلة

تلفظ: مُقَابَلَه

معنی: مصاحبه

ركزت المقابلة على خبرات المرشح العملية.

مصاحبه بر تجربه‌های عملی داوطلب متمرکز بود.

نوشتار رسمی و پیوندهنده‌ها

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

بید أن

تلفظ: بَيْدَ أَنْ

معنی: با این حال و اما

ارتفعت المبيعات، بید أن الأرباح لم تتغير.

فروش افزایش یافت؛ با این حال، سود تغییری نکرد.

مدخل ۲۷۱

ترکیب

علاوة على ذلك

تلفظ: عِلَاوَهُ عَلَى ذَلِكَ

معنی: علاوه بر این

خفضت الخطة التكاليف، علاوة على ذلك حسنت الجودة.

برنامه هزینه‌ها را کم کرد و افزون بر آن کیفیت را بهبود داد.

مدخل ۲۷۲

ترکیب

بناء على

تلفظ: بِنَاءً عَلَى

معنی: بر پایه و بر اساس

اتخذ القرار بناء على توصيات الخبراء.

تصمیم بر اساس توصیه کارشناسان گرفته شد.

مدخل ۲۷۳

ترکیب

نوشتار رسمی و پیوندهنده‌ها

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

لا سیما

تلفظ: لا بیَّما

معنی: به‌ویژه و خصوصاً

ازدادت الأسعار، لا سیما في المدن الكبرى.

قیمت‌ها افزایش یافتند، به‌ویژه در شهرهای بزرگ.

مدخل ۲۷۴

ترکیب

في المقابل

تلفظ: فی المُقابل

معنی: در مقابل و از سوی دیگر

انخفضت التكاليف، وفي المقابل زادت مدة التنفيذ.

هزینه‌ها کاهش یافت؛ اما در مقابل، زمان اجرا بیشتر شد.

مدخل ۲۷۵

ترکیب

من جهة أخرى

تلفظ: مِن جِهَة أُخرى

معنی: از سوی دیگر

الخطوة سريعة، ومن جهة أخرى تحتاج إلى تمويل.

طرح سریع اجرا می‌شود؛ اما از سوی دیگر به تأمین مالی نیاز دارد.

مدخل ۲۷۶

ترکیب

افعال پیشرفته و ترکیبها

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

ينطوي على

تلفظ: يَنْطَوِي عَلَى

معنی: در بر دارد

ينطوي القرار على مخاطر مالية محتملة.

این تصمیم خطرهای مالی احتمالی در بر دارد.

يفضي إلى

تلفظ: يُفْضِي إِلَى

معنی: به نتیجه‌ای منجر می‌شود

قد يفضي سوء التخطيط إلى تأخر المشروع.

برنامه‌ریزی ضعیف ممکن است به تأخیر پروژه منجر شود.

يترتب على

تلفظ: يَتَرْتَّبُ عَلَى

معنی: در پی چیزی ایجاد می‌شود

يترتب على إلغاء الحجز دفع رسوم إضافية.

لغو رزرو موجب پرداخت هزینه اضافه می‌شود.

افعال پیشرفته و ترکیبها

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

یتسنى

تلفظ: يَتَسَنَّيْ

معنی: میسر و ممکن می شود

یتسنى للطلاب الوصول إلى المصادر عبر المنصة.

دانشجویان می توانند از طریق سامانه به منابع دسترسی پیدا کنند.

يستلزم

تلفظ: يَسْتَلْزِمُ

معنی: مستلزم است

يستلزم تنفيذ الخطة تعاون جميع الأقسام.

اجرای برنامه مستلزم همکاری همه بخش ها است.

يقتضي

تلفظ: يَقْتَضِيْ

معنی: ایجاب می کند

يقتضي الموقف اتخاذ قرار سريع.

شرایط ایجاب می کند تصمیمی سریع گرفته شود.

واژگان توصیفی و گزارش نویسی

صفحه ۱ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

ملابسات

تلفظ: مُلَابَسَات

معنی: اوضاع و شرایط پیرامونی

تبحث اللجنة في ملابسات الحادث.

کمیته شرایط پیرامونی حادثه را بررسی می‌کند.

تداعیات

تلفظ: تَدَاعِيَات

معنی: پیامدهای زنجیره‌ای

ناقش الخبراء تداعیات ارتفاع أسعار الطاقة.

کارشناسان پیامدهای افزایش قیمت انرژی را بررسی کردند.

توجه

تلفظ: تَوَجُّه

معنی: گرایش و جهت‌گیری

يعكس القرار توجهها جدیدا في الإدارة.

این تصمیم جهت‌گیری تازه‌ای را در مدیریت نشان می‌دهد.

واژگان توصیفی و گزارش نویسی

صفحه ۲ از ۲ | واژه، تلفظ فارسی، معنی، مثال عربی و ترجمه

انطباع

تلفظ: انطباع

معنی: برداشت و تصور اولیه

ترك اللقاء انطبعا إيجابيا لدى الحضور.

دیدار برداشت مثبتی در ذهن حاضران ایجاد کرد.

ترابط

تلفظ: ترابط

معنی: پیوند و ارتباط متقابل

يوضح التقرير ترابط العوامل الاقتصادية.

گزارش ارتباط متقابل عوامل اقتصادی را نشان می‌دهد.

استثناء

تلفظ: استثناء

معنی: استثنا

تطبق القاعدة على الجميع من دون استثناء.

این قاعده بدون استثنا درباره همه اجرا می‌شود.

۶

بخش دوم

فلش کارتهای موضوعی

۱۲۰ واژه تازه در ۳۰ صفحه فلش کارت
چهار کارت یکسان و وسط چین در هر صفحه

هیچ فلش کارتی تکرار مدخلهای بخش اول نیست.

اندیشه و تحلیل

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسط‌چین

۸

تأثیر

تلفظ: تَأْثِير

تأثير و اثرگذاری

كان للقرار تأثير واضح في سلوك المستهلكين.

این تصمیم تأثیر روشنی بر رفتار مصرف‌کنندگان داشت.

۷

تحلیل

تلفظ: تَحْلِيل

تحليل و تجزیه و تحلیل

يتطلب تحليل المشكلة معلومات موثوقة.

تحلیل مسئله به اطلاعات قابل اعتماد نیاز دارد.

۱۰

تحدٍ

تلفظ: تَحْدِي

چالش و دشواری

يمثل التوفيق بين السرعة والدقة تحديا حقيقيا.

برقراری تعادل میان سرعت و دقت چالشی واقعی است.

۹

تفسير

تلفظ: تَفْسِير

توضیح و تفسیر

قدم الباحث تفسيرا مختلفا للظاهرة.

پژوهشگر تفسیر متفاوتی برای آن پدیده ارائه کرد.

تصمیم‌گیری و حل مسئله

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۱۸

عائق

تلفظ: عَائِق

مانع و عامل بازدارنده

تمثل التكاليف المرتفعة عائقا أمام التنفيذ.

هزینه‌های زیاد مانعی برای اجرای طرح هستند.

۱۷

بدیل

تلفظ: بَدِيل

جایگزین و گزینه دیگر

نحتاج إلى بديل عملي إذا تأخر التسليم.

اگر تحویل به تأخیر بیفتد، به جایگزینی عملی نیاز داریم.

۲۰

حاسم

تلفظ: حَاسِم

قاطع و تعیین‌کننده

كان الاجتماع حاسما في تحديد مستقبل المشروع.

جلسه در تعیین آینده پروژه نقش تعیین‌کننده‌ای داشت.

۱۹

مفاضلة

تلفظ: مُفَاضَلَة

سبک‌سنگین کردن گزینه‌ها

تتطلب المفاضلة بين العرضين دراسة التفاصيل.

انتخاب میان دو پیشنهاد مستلزم بررسی جزئیات است.

مدیریت و کار تیمی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۲۸

مسئولية

تلفظ: مَسْئُولِيَّة

مسئولیت و پاسخگویی

يتحمل المدير مسؤولية متابعة تنفيذ الخطة.

مدیر مسئولیت پیگیری اجرای برنامه را بر عهده دارد.

۲۷

إدارة

تلفظ: إِدَارَة

مدیریت و اداره امور

تحتاج إدارة الأزمات إلى هدوء ووضوح.

مدیریت بحران به آرامش و شفافیت نیاز دارد.

۳۰

تخطيط

تلفظ: تَخْطِيط

برنامه‌ریزی

يساعد التخطيط الجيد على توزيع المهام بوضوح.

برنامه‌ریزی مناسب به تقسیم روشن وظایف کمک می‌کند.

۲۹

مساءلة

تلفظ: مُسَاءَلَة

پاسخگویی درباره عملکرد

تعزز المساءلة ثقة الموظفين بالمؤسسة.

پاسخگویی اعتماد کارکنان به سازمان را افزایش می‌دهد.

کسب و کار و کارآفرینی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسط چین

۳۸

شراکه

تلفظ: شَراکَه

شراکت و همکاری تجاری

وقعت المؤسسة اتفاق شراكة لمدة عامين.

دو مؤسسه قرارداد همکاری دوساله امضا کردند.

۳۷

استراتیجیة

تلفظ: اِسْتِراتِیْجِیَہ

راهبرد و استراتژی

وضعت الشركة استراتيجية واضحة لدخول السوق.

شرکت راهبرد روشنی برای ورود به بازار تدوین کرد.

۴۰

مبادرة

تلفظ: مُبَادَرَة

ابتکار عمل و اقدام آغازین

أطلقت المؤسسة مبادرة لدعم أصحاب المشاريع الصغيرة.

مؤسسه برنامه‌ای برای حمایت از صاحبان کسب و کارهای کوچک آغاز کرد.

۳۹

توسع

تلفظ: تَوْسُع

گسترش فعالیت

يحتاج التوسع إلى دراسة قدرات الفريق.

گسترش فعالیت مستلزم بررسی توانایی‌های تیم است.

اقتصاد و امور مالی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۴۸

مديونية

تلفظ: مَدْيُونِيَّة

بدهی و میزان بدهکاری

ارتفعت مديونية المؤسسة بعد توسعها السريع.

بدهی مؤسسه پس از گسترش سریع فعالیتش افزایش یافت.

۴۷

سيولة

تلفظ: سَيُولَة

نقدینگی

تحتاج الشركة إلى سيولة لتغطية التزاماتها.

شرکت برای پوشش تعهدات خود به نقدینگی نیاز دارد.

۵۰

فائض

تلفظ: فَايْض

مازاد

استثمرت الشركة فائض الأرباح في تطوير الإنتاج.

شرکت سود مازاد را برای توسعه تولید سرمایه‌گذاری کرد.

۴۹

عجز

تلفظ: عَجْز

کسری و ناتوانی در تأمین

سجلت الموازنة عجزاً أقل من المتوقع.

بودجه کسری کمتری از میزان پیش‌بینی‌شده ثبت کرد.

بازاریابی و مشتری

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۵۸

استطلاع

تلفظ: إستطلاع

نظرسنجی و بررسی دیدگاه

کشف الاستطلاع أسباب تراجع رضا العملاء.

نظرسنجی علت‌های کاهش رضایت مشتریان را مشخص کرد.

۵۷

تفاعل

تلفظ: تَفَاعُل

تعامل و واکنش متقابل

زاد تفاعل الجمهور بعد تحسين محتوى الصفحة.

پس از بهبود محتوای صفحه، تعامل مخاطبان بیشتر شد.

۶۰

استبقاء

تلفظ: إستِبقَاء

حفظ مشتری یا نیرو

يعد استبقاء العملاء أقل تكلفة من جذب عملاء جدد.

حفظ مشتریان از جذب مشتریان جدید کم‌هزینه‌تر است.

۵۹

جودة

تلفظ: جَوَدَة

کیفیت

تؤثر جودة الخدمة مباشرة في رضا العملاء.

کیفیت خدمات مستقیماً بر رضایت مشتریان اثر می‌گذارد.

فناوری و دنیای دیجیتال

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۶۸

رقمنة

تلفظ: رَقَمَنَه

دیجیتالی کردن

ساهمت رقمنة الخدمات في تقليل وقت الانتظار.

دیجیتالی شدن خدمات زمان انتظار را کاهش داد.

۶۷

منصة

تلفظ: مِنْصَه

سکو و پلتفرم

تجمع المنصة بين المعلمين والطلاب.

این بستر آموزشی مدرسان و دانشجویان را به هم متصل می کند.

۷۰

قابلية الاستخدام

تلفظ: قَابِلِيَّةُ الْإِسْتِخْدَام

کاربردپذیری و سهولت استفاده

اختبر المصمم قابلية الاستخدام قبل إطلاق الموقع.

طراح پیش از راه اندازی سایت، کاربردپذیری آن را آزمود.

۶۹

أتمتة

تلفظ: أَتَمَّتَه

خودکارسازی فرایند

تخفض أتمتة المهام المتكررة نسبة الأخطاء.

خودکارسازی کارهای تکراری میزان خطا را کم می کند.

امنیت اطلاعات و ایمنی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسط چین

۷۸

یقظة

تلفظ: يَقْظُه

هوشیاری و مراقبت

تقلل اليقظة الرقمية احتمال الوقوع في الاحتيال.

هوشیاری دیجیتال احتمال گرفتار شدن در کلاهبرداری را کم می‌کند.

۷۷

طوارئ

تلفظ: طَوَائِر

وضعیت و امور اضطراری

وضعت المؤسسة خطة واضحة لحالات الطوارئ.

مؤسسه برنامه روشنی برای شرایط اضطراری تهیه کرد.

۸۰

احتيال

تلفظ: اِحْتِيَال

کلاهبرداری

حذر المصرف عملاءه من رسائل الاحتيال.

بانک مشتریان خود را درباره پیام‌های کلاهبرداری آگاه کرد.

۷۹

تسريب

تلفظ: تَسْرِيْب

افشا یا نشت اطلاعات

أدى تسريب الوثائق إلى فتح تحقيق داخلي.

نشت اسناد به آغاز تحقیقات داخلی انجامید.

پژوهش و روش علمی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۸۸

ارتباط

تلفظ: إرتباط

رابطه و همبستگی

لا يعني الارتباط وجود علاقة سببية.

همبستگی لزوماً به معنای رابطه علت و معلولی نیست.

۸۷

متغیر

تلفظ: مُتَغَيِّر

متغیر

درس الباحث أثر كل متغير على النتيجة.

پژوهشگر اثر هر متغیر را بر نتیجه بررسی کرد.

۹۰

تحيز

تلفظ: تَحِيْز

سوگیری

يقلل اختيار العينة العشوائية من التحيز.

انتخاب نمونه تصادفی سوگیری را کاهش می‌دهد.

۸۹

استقراء

تلفظ: إِسْتِقْرَاء

استقرا و نتیجه‌گیری از نمونه‌ها

اعتمد الباحث على الاستقراء لتحديد الأنماط.

پژوهشگر برای شناسایی الگوها از روش استقرایی استفاده کرد.

دانشگاه و یادگیری

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسط‌چین

۹۸

أطروحة

تلفظ: أُطْرُوخَه

رساله دانشگاهی

تناقش الأطروحة أثر التحول الرقمي على التعليم.

رساله تأثیر تحول دیجیتال بر آموزش را بررسی می‌کند.

۹۷

منحة

تلفظ: مِنْخَه

بورسیه و کمک‌هزینه

حصل الطالب على منحة لإكمال دراسته.

دانشجو برای ادامه تحصیل بورسیه دریافت کرد.

۱۰۰

محاضرة

تلفظ: مُحَاضَرَه

درس‌گفتار و سخنرانی

تناولت المحاضرة تحديات الترجمة الحديثة.

سخنرانی به چالش‌های ترجمه معاصر پرداخت.

۹۹

إتقان

تلفظ: إِتْقَان

تسلط و مهارت کامل

يتطلب إتقان اللغة ممارسة مستمرة.

تسلط بر زبان به تمرین مستمر نیاز دارد.

ارتباط و مذاکره

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۱۰۸

إقناع

تلفظ: إقناع

متقاعدکردن

يعتمد الإقناع على الأدلة لا على الضغط.

متقاعدکردن به شواهد متکی است، نه فشارآوردن.

۱۰۷

مجاملة

تلفظ: مُجَامَلَة

تعارف و تعریف مؤدبانه

بدأ اللقاء بمجاملة بسيطة قبل مناقشة الموضوع.

دیدار پیش از گفت‌وگو درباره موضوع اصلی، با تعارفی ساده آغاز شد.

۱۱۰

تعاون

تلفظ: تَعَاوُن

همکاری

يتطلب حل المشكلة تعاوناً بين جميع الأطراف.

حل مسئله مستلزم همکاری همه طرف‌ها است.

۱۰۹

تواصل

تلفظ: تَوَاصُل

ارتباط مستمر و دوطرفه

يمنع التواصل الواضح كثيراً من المشكلات.

ارتباط روشن از بسیاری مشکلات جلوگیری می‌کند.

سیاست و دیپلماسی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۱۱۸

وساطة

تلفظ: وَسَاطَه

میانجیگری

نجحت الوساطة في تقريب وجهات النظر.

میانجیگری توانست دیدگاههای طرفین را به هم نزدیک کند.

۱۱۷

نزاع

تلفظ: نِزَاع

مناقشه و اختلاف

يسعى الوسطاء إلى إنهاء النزاع بالحوار.

میانجیها تلاش می‌کنند مناقشه را با گفت‌وگو پایان دهند.

۱۲۰

عقوبات

تلفظ: عُقُوبَات

تحریمها و مجازاتها

أثرت العقوبات في حركة التجارة الخارجية.

تحریمها بر جریان تجارت خارجی اثر گذاشتند.

۱۱۹

أزمة

تلفظ: أَرْمَه

بحران

تحتاج الأزمة إلى حلول سريعة ومدروسة.

بحران به راه‌حل‌های سریع و سنجیده نیاز دارد.

حقوق و قراردادها

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۱۲۸

استئناف

تلفظ: إستئناف

تجدیدنظر و درخواست بازرینی

قدم المحامي طلب استئناف خلال المهلة القانونية.

وکیل در مهلت قانونی درخواست تجدیدنظر ثبت کرد.

۱۲۷

دعوى

تلفظ: دَعْوَى

دادخواست و دعوی قضایی

رفعت الشركة دعوى بسبب خرق الاتفاق.

شرکت به دلیل نقض توافق دادخواست ثبت کرد.

۱۳۰

ملكية فكرية

تلفظ: ملكيّة فِكرِيّة

مالکیت فکری

تحمي القوانين حقوق الملكية الفكرية للمؤلف.

قانون از حقوق مالکیت فکری نویسنده محافظت می‌کند.

۱۲۹

بنود

تلفظ: بُنُود

بندها و مفاد

اقرأ بنود العقد قبل الموافقة عليه.

پیش از موافقت، مفاد قرارداد را بخوان.

جامعه و حقوق شهروندی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۱۳۸

شفافیت

تلفظ: شَفَافِيَّة

شفافیت

تعزز الشفافية ثقة المواطنين بالمؤسسات.

شفافیت اعتماد شهروندان به مؤسسه‌ها را افزایش می‌دهد.

۱۳۷

تمیز

تلفظ: تَمِيِيز

تبعیض یا تمایزگذاری

تحظر اللوائح التمييز في فرص التوظيف.

مقررات تبعیض در فرصت‌های استخدامی را ممنوع می‌کند.

۱۴۰

مشاركة مدنية

تلفظ: مُشَارَكَة مَدَنِيَّة

مشارکت مدنی و اجتماعی

تزيد المشاركة المدنية من وعي السكان بحقوقهم.

مشارکت مدنی آگاهی شهروندان را از حقوقشان افزایش می‌دهد.

۱۳۹

تمكين

تلفظ: تَمَكِين

توانمندسازی

يهدف البرنامج إلى تمكين الشباب مهنيًا.

هدف برنامه، توانمندسازی شغلی جوانان است.

رسانه و خبر

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۱۴۸

سبق صحفي

تلفظ: سَبَقٌ صَحْفِيٌّ

خبر اختصاصی

نشرت الصحيفة سبقا صحفيا حول الاتفاق.

روزنامه گزارشی اختصاصی درباره توافق منتشر کرد.

۱۴۷

تداول

تلفظ: تَدَاوُلٌ

دست به دست شدن و انتشار

أثار تداول المقطع نقاشا واسعا.

دست به دست شدن ویدئو بحث گستردهای ایجاد کرد.

۱۵۰

مصادقية

تلفظ: مِصْدَاقِيَّةٌ

اعتبار و باورپذیری

تزداد مصداقية المصدر حين يذكر أدلته.

وقتی منبع شواهد خود را بیان می کند، اعتبارش بیشتر می شود.

۱۴۹

بيان

تلفظ: بَيَانٌ

بیانیه و اعلامیه

أصدرت المؤسسة بيانا لتوضيح موقفها.

مؤسسه بیانیه ای برای توضیح موضع خود صادر کرد.

فرهنگ و هویت

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۱۵۸

طقوس

تلفظ: طُقوس

آیین‌ها و مراسم

تختلف طقوس الاحتفال من منطقة إلى أخرى.

آیین‌های جشن از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت دارند.

۱۵۷

أصالة

تلفظ: أَصَالَه

اصالت

يجمع التصميم بين الأصالة والاحتياجات الحديثة.

طراحی میان اصالت و نیازهای امروزی تعادل برقرار می‌کند.

۱۶۰

انفتاح

تلفظ: إنْفِتَاح

گشودگی و پذیرش

يساعد الانفتاح الثقافي على فهم الآخرين.

گشودگی فرهنگی به درک دیگران کمک می‌کند.

۱۵۹

موروث

تلفظ: مَوروث

میراث برجامانده

يحمل الموروث الشعبي قصص الأجيال السابقة.

میراث مردمی روایت‌های نسل‌های گذشته را در خود دارد.

هنر و خلاقیت

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسط چین

۱۶۸

معرض

تلفظ: مَعْرِض

نمایشگاه

استضاف المعرض أعمال فنانين من دول مختلفة.

نمایشگاه میزبان آثار هنرمندانی از کشورهای مختلف بود.

۱۶۷

لوحة

تلفظ: لَوْحَة

تابلو و اثر نقاشی

عرضت الفنانة لوحة مستوحاة من حياة الريف.

هنرمند تابلویی الهام گرفته از زندگی روستایی نمایش داد.

۱۷۰

تجريد

تلفظ: تَجْرِيد

انتزاع و هنر انتزاعی

يعتمد التجريد على الإيحاء أكثر من التمثيل المباشر.

هنر انتزاعی بیش از بازنمایی مستقیم، بر القا متکی است.

۱۶۹

تكوين

تلفظ: تَكْوِين

ترکیب بندی و ساختار

يمنح التكوين المتوازن الصورة عمقا أكبر.

ترکیب بندی متعادل به تصویر عمق بیشتری می بخشد.

سلامت و درمان

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۱۷۸

جرعة

تلفظ: جُرْعَه

دوز و مقدار مصرف دارو

حدد الطبيب الجرعة المناسبة لعمر المريض.

پزشک مقدار مناسب دارو را متناسب با سن بیمار تعیین کرد.

۱۷۷

التهاب

تلفظ: إلتِهَاب

التهاب

كشف الفحص وجود التهاب يحتاج إلى علاج.

معاینه وجود التهابی را نشان داد که به درمان نیاز داشت.

۱۸۰

تأهيل

تلفظ: تَأْهِيل

توانبخشی

ساعد التأهيل الحركي المريض على استعادة توازنه.

توانبخشی حرکتی به بیمار کمک کرد تعادلش را بازیابد.

۱۷۹

مضاعفات

تلفظ: مُضَاعَفَات

عوارض و پیامدهای بیماری

يقلل العلاج المبكر خطر المضاعفات.

درمان زودهنگام خطر عوارض را کم می‌کند.

روان شناسی و هیجان

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسط چین

۱۸۸

ثقة بالنفس

تلفظ: ثِقَّةً بِالنَّفْسِ

اعتماد به نفس

تزداد الثقة بالنفس مع التدريب والتجربة.

اعتماد به نفس با تمرین و تجربه بیشتر می شود.

۱۸۷

استياء

تلفظ: إِسْتِيَاءٌ

نارضایتی و دلخوری

أبدى السكان استياءهم من الضوضاء المستمرة.

ساکنان نارضایتی خود را از سروصدای مداوم بیان کردند.

۱۹۰

إدراك ذاتي

تلفظ: إِدْرَاكٌ ذَاتِي

خودآگاهی

يعزز الإدراك الذاتي فهم المشاعر والدوافع.

خودآگاهی شناخت احساسات و انگیزه ها را بهتر می کند.

۱۸۹

مرونة نفسية

تلفظ: مُرُونَةٌ نَفْسِيَّةٌ

انعطاف پذیری روانی

تساعد المرونة النفسية على تجاوز المواقف الصعبة.

انعطاف پذیری روانی به عبور از موقعیت های دشوار کمک می کند.

خانواده و روابط

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۱۹۸

قراۓة

تلفظ: قَرَاةَ

خویشاوندی

تربط العائلتین علاقة قراۓة قديمة.

دو خانواده رابطه خویشاوندی قدیمی دارند.

۱۹۷

تفاهم

تلفظ: تَفَاهُْم

درک متقابل و تفاهم

يقوم التعاون الأسري على التفاهم والاحترام.

همکاری خانوادگی بر تفاهم و احترام استوار است.

۲۰۰

مصاهرة

تلفظ: مُصَاهَرَة

خویشاوندی از راه ازدواج

توسعت الروابط الاجتماعية بالمصاهرة بين العائلتین.

پیوندهای اجتماعی با وصلت میان دو خانواده گستردهتر شد.

۱۹۹

مساندة

تلفظ: مُسَانَدَة

حمایت و پشتیبانی

قدمت الأسرة مساندة كبيرة خلال فترة العلاج.

خانواده در دوران درمان حمایت زیادی نشان داد.

سفر و جابه جایی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسط چین

۲۰۸

أمتعة

تلفظ: أَمْتَعَة

بار و چمدانها

وصلت الأمتعة بعد تأخير قصير.

چمدانها پس از تأخیری کوتاه رسیدند.

۲۰۷

معلم سياحي

تلفظ: مَعْلَم سِيَا حِي

جاذبه گردشگری

يعد القصر القديم معلما سياحيا مشهورا.

کاخ قدیمی یکی از جاذبههای گردشگری شناخته شده است.

۲۱۰

استرداد

تلفظ: إِسْتِرْدَاد

پس گرفتن و بازپرداخت

طلب المسافر استرداد قيمة التذكرة الملغاة.

مسافر درخواست بازپرداخت هزینه بلیت لغوشده را ثبت کرد.

۲۰۹

عبور

تلفظ: عُبُور

گذر و ترانزیت

استغرقت إجراءات العبور أقل من ساعة.

انجام تشریفات عبور کمتر از یک ساعت طول کشید.

محیط زیست و اقلیم

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۲۱۸

استدامة

تلفظ: إستدامة

پایداری

تتطلب الاستدامة حماية الموارد للأجيال القادمة.

پایداری مستلزم حفظ منابع برای نسل‌های آینده است.

۲۱۷

استنزاف

تلفظ: إستنزاف

تحلیل بردن و فرسایش منابع

يؤدي الاستهلاك المفرط إلى استنزاف المياه الجوفية.

مصرف بیش‌ازحد باعث کاهش ذخایر آب زیرزمینی می‌شود.

۲۲۰

تنوع حيوي

تلفظ: تنوع حيوي

تنوع زیستی

يحمي التنوع الحيوي توازن الأنظمة الطبيعية.

تنوع زیستی از تعادل زیست‌بوم‌های طبیعی محافظت می‌کند.

۲۱۹

تصحّر

تلفظ: تصحّر

بیابان‌زایی

تساعد زراعة الأشجار على الحد من التصحر.

کاشت درخت به کاهش بیابان‌زایی کمک می‌کند.

غذا و آشپزی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۲۲۸

قوام

تلفظ: قَوام

غلظت و بافت غذا

أضف الطاهي الحليب لتحسين قوام الصلصة.

آشپز برای بهتر شدن غلظت سس، شیر اضافه کرد.

۲۲۷

مقادیر

تلفظ: مَقادیر

اندازه و مقدار مواد

قاس الطاهي المقادير بدقة قبل الخبز.

آشپز پیش از پخت، مقدار مواد را دقیق اندازه گیری کرد.

۲۳۰

مكونات

تلفظ: مُكوّنات

مواد تشکیل دهنده

تحقق من مكونات المنتج إذا كنت تعاني من الحساسية.

اگر حساسیت داری، مواد تشکیل دهنده محصول را بررسی کن.

۲۲۹

نضارة

تلفظ: نَضارة

تازگی و طراوت

تحافظ الثلاجة على نضارة الخضروات.

یخچال تازگی سبزیجات را حفظ می کند.

ورزش و آمادگی جسمانی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۲۳۸

قدرة تحمل

تلفظ: قُدْرَه تَحْمَل

استقامت

يطور الجري المعتدل قدرة التحمل.

دویدن با شدت متعادل استقامت را بهتر میکند.

۲۳۷

مرونة

تلفظ: مُروَنَه

انعطاف پذیری

تزيد تمارين الإطالة من مرونة العضلات.

حرکات کششی انعطاف عضلات را افزایش می دهند.

۲۴۰

إستشفاء

تلفظ: إِسْتِشْفَاء

ریکاوری و بازیابی بدن

يحتاج الجسم إلى الاستشفاء بعد التدريب المكثف.

بدن پس از تمرین سنگین به بازیابی نیاز دارد.

۲۳۹

إحماء

تلفظ: إِحْمَاء

گرم کردن پیش از ورزش

يقلل الإحماء الجيد احتمال الإصابة.

گرم کردن مناسب احتمال آسیب دیدگی را کم می کند.

علم و اکتشاف

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسط چین

۲۴۸

جزيء

تلفظ: جُزْء

مولکول

يتكون الجزيء من ذرات مترابطة.

مولکول از اتمهای بهم پیوسته تشکیل می شود.

۲۴۷

نظرية

تلفظ: نَظَرِيَّة

نظريه

تشرح النظرية العلاقة بين الضوء والمادة.

نظريه رابطه میان نور و ماده را توضیح می دهد.

۲۵۰

مختبر

تلفظ: مُخْتَبَر

آزمایشگاه

أجرى الفريق الفحوص في مختبر متخصص.

تیم آزمایشها را در آزمایشگاهی تخصصی انجام داد.

۲۴۹

تفاعل كيميائي

تلفظ: تَفَاعُل كِيمِيَائِي

واکنش شیمیایی

ينتج عن التفاعل الكيميائي تغير في اللون.

واکنش شیمیایی باعث تغییر رنگ می شود.

شهر، خدمات و زیرساخت

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۲۵۸

صرف صحي

تلفظ: صَرْف صَحِّي

فاضلاب و شبکه بهداشتی

طورت القرية شبكة الصرف الصحي.

روستا شبکه جمع‌آوری فاضلاب خود را توسعه داد.

۲۵۷

تنظيم حضري

تلفظ: تَنْظِيم حَضَرِي

ساماندهی و برنامه‌ریزی شهری

يساعد التنظيم الحضري على توزيع الخدمات بعدالة.

برنامه‌ریزی شهری به توزیع عادلانه خدمات کمک می‌کند.

۲۶۰

اكتظاظ

تلفظ: اِكْتِظَاط

تراکم و ازدحام شدید

يعاني المركز من اكتظاظ المراجعين صباحا.

مرکز صبح‌ها با تراکم زیاد مراجعه‌کنندگان روبه‌رو است.

۲۵۹

ترميم

تلفظ: تَرْمِيم

مرمت و بازسازی

بدأ ترميم المبنى التاريخي هذا الشهر.

مرمت ساختمان تاریخی این ماه آغاز شد.

استخدام و مسیر شغلی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۲۶۸

استقالة

تلفظ: إِسْتِقَالَه

استعفا

قدم الموظف استقالته لأسباب شخصية.

کارمند به دلایل شخصی استعفا داد.

۲۶۷

ترقية

تلفظ: تَرْقِيَه

ارتقای شغلی

حصلت الموظفة على ترقية بعد نجاح المشروع.

کارمند پس از موفقیت پروژه ارتقای شغلی گرفت.

۲۷۰

دوام مرن

تلفظ: دَوَام مَرْن

ساعت کاری انعطاف پذیر

يساعد الدوام المرن على تحسين التوازن الأسري.

ساعت کاری انعطاف پذیر به بهبود تعادل خانوادگی کمک می کند.

۲۶۹

أجر

تلفظ: أَجْر

دستمزد

اتفق الطرفان على أجر مناسب لطبيعة العمل.

دو طرف بر دستمزدی متناسب با ماهیت کار توافق کردند.

نوشتار رسمی و پیونددهندها

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۲۷۸

على الرغم من

تلفظ: عَلَى الرَّغْمِ مِنْ

با وجود و علی‌رغم

استمر العمل على الرغم من الظروف الصعبة.

با وجود شرایط دشوار، کار ادامه پیدا کرد.

۲۷۷

فضلا عن

تلفظ: فَضْلاً عَنْ

افزون بر

يوفر النظام الوقت، فضلا عن تقليل الأخطاء.

این سامانه علاوه بر کاهش خطاها، در زمان صرفه‌جویی می‌کند.

۲۸۰

في ضوء

تلفظ: فِي ضَوْءِ

در پرتو و با توجه به

أعيد تقييم الخطة في ضوء المعلومات الجديدة.

برنامه با توجه به اطلاعات تازه دوباره ارزیابی شد.

۲۷۹

نظرا إلى

تلفظ: نَظْراً إِلَى

با توجه به

تأجل الاجتماع نظرا إلى غياب بعض الأعضاء.

جلسه به‌دلیل غیبت بعضی اعضا به تعویق افتاد.

افعال پیشرفته و ترکیبها

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسطچین

۲۸۸

یتجاوز

تلفظ: يَتَجَاوَزُ

فراتر می‌رود

تتجاوز فوائد البرنامج النتائج المالية.

مزیت‌های برنامه فراتر از نتایج مالی هستند.

۲۸۷

یتوخی

تلفظ: يَتَوَخَّى

هدف می‌گیرد و با دقت رعایت می‌کند

یتوخی التقرير الدقة في عرض النتائج.

گزارش در ارائه یافته‌ها بر دقت تمرکز دارد.

۲۹۰

یواكب

تلفظ: يُوَاكِبُ

همگام می‌شود

یواكب المنهج التطورات الحديثة في الترجمة.

برنامه درسی با پیشرفت‌های جدید ترجمه همگام است.

۲۸۹

یفاقم

تلفظ: يُفَاقِمُ

وخیم‌تر می‌کند

یفاقم التأخير مشكلة نقص الموارد.

تأخير مشکل کمبود منابع را شدیدتر می‌کند.

واژگان توصیفی و گزارش نویسی

چهار واژه تازه، با قالب یکسان و متن وسط چین

۲۹۸

شَح

تلفظ: شُح

کمیابی و کمبود شدید

أدى شح المياه إلى تغيير الخطة الزراعية.

کمبود شدید آب باعث تغییر برنامه کشاورزی شد.

۲۹۷

تَطَّلَعَ

تلفظ: تَطَّلَعَ

آرزو و چشمداشت آینده

يعبر المشروع عن تطلع الشباب إلى فرص أفضل.

پروژه بیانگر امید جوانان به فرصتهای بهتر است.

۳۰۰

مَحْصَلَة

تلفظ: مُحَصَّلَه

برآیند و نتیجه نهایی

كانت المحصلة النهائية أفضل من التوقعات.

نتیجه نهایی بهتر از پیشبینیها بود.

۲۹۹

رَفَاهِيَة

تلفظ: رَفَاهِيَة

رفاه و آسایش

ترتبط الرفاهية بجودة الخدمات العامة.

رفاه با کیفیت خدمات عمومی ارتباط دارد.